

فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۸، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۴، صفحات ۲۱-۴۵

بررسی عوامل مؤثر بر الگوی رفتار نیروی انسانی در فعالیتهای کشاورزی: مطالعه موردی روستاهای شهرستان میاندوآب

علی اکبر تقیلو و افشار کبیری*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۵/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۶/۷

چکیده

هدف مقاله حاضر بررسی عوامل مؤثر بر رفتار اقتصادی و اجتماعی روستاییان در زمینه فعالیت‌های کشاورزی است. تحقیق حاضر در سال ۱۳۹۳ در شهرستان میاندوآب انجام شد. برای انتخاب نمونه‌ها، نمونه‌گیری تصادفی در دو مرحله صورت گرفت؛ نخست، ۲۷ روستا به عنوان روستاهای نمونه و سپس، از این روستاها، ۳۷۰ نفر به عنوان جامعه نمونه انتخاب شدند. تجزیه و تحلیل اطلاعات از طریق آزمون همبستگی، رگرسیون و تحلیل عاملی صورت گرفت. نتایج نشان داد که رفتار اقتصادی با میانگین ۲/۳۳ و رفتار اجتماعی با میانگین ۲/۴۳ کمتر از حد متوسط است؛ همچنین، از میان عوامل اقتصادی، نابرابری درآمد و ارزش افزوده کشاورزی با دیگر بخش‌های اقتصادی با ضریب تأثیر ۰/۴۳، از میان عوامل کالبدی، پراکندگی قطعات اراضی و اندازه اراضی با ضریب تأثیر ۰/۳۳ و از میان عوامل طبیعی، بیماری و شیوع آفات با ضریب ۰/۳۵ بیشترین تأثیر را

* به ترتیب، نویسنده مسئول و استادیار گروه جغرافیا، دانشگاه اورمیه (a.taghiloo@urmia.ac.ir)؛ و استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه اورمیه.

در رفتار اقتصادی و اجتماعی داشتند. تمرکز ثروت و سرمایه در شهرها و ثبات درآمدی در اقتصاد شهری، به ترتیب، با ضریب تأثیر ۰/۲۵ و ۰/۲۷۵ مهم ترین عوامل مؤثر بر رفتار اقتصادی بودند.

کلیدواژه‌ها: کشاورزی، بازار، رفتار دولت، میاندوآب (شهرستان).

مقدمه

کشاورزی بخش مهم اقتصاد ایران را در گذشته و حال تشکیل داده است. بر اساس گزارش مرکز آمار ایران، در حدود ۸۶ درصد از زمین‌های کشت آبی، ۸۵ درصد زمین‌های کشت دیم و ۷۸ درصد باغ‌ها و قلمستان‌های موجود در روستاها توسط روستاییان بهره‌برداری می‌شود (تقدیسی و بسحاق، ۱۳۸۹: ۱؛ خسروبیگی، ۱۳۹۲). با وجود نقش مثبت بخش کشاورزی در رشد و توسعه اقتصاد ملی و محلی، واقعیت‌های فعلی نشان از ضعف اقتصاد مبتنی بر تولید و رکود بخش کشاورزی در مناطق روستایی دارد. استدلال بر این است که در جامعه روستایی، عدم استقبال مردم به‌ویژه قشر جوان از فعالیت‌های تولیدی در اقتصاد کشاورزی با رفتار اقتصادی قابل تبیین است، زیرا فعالان و روستاییان با بررسی شقوق مختلف فرصت‌های اقتصادی دست به انتخاب عقلانی می‌زنند. مبنای انتخاب بر عوامل چندی استوار است که این عوامل را می‌توان در دو بخش عوامل درون‌سیستمی کشاورزی یا منابع بوم‌شناختی و عوامل برون‌سیستمی کشاورزی یا اقتصاد سیاسی تقسیم‌بندی کرد (یاسوری، ۱۳۸۶: ۱۱۳). عوامل درونی مؤثر در فرار نیروی کار و سرمایه از بخش کشاورزی عبارت‌اند از: تنوع و تعدد فعالیت در اقتصاد کشاورزی برای هر بهره‌بردار و طول مدت فعالیت در شبانه‌روز (سعیدی، ۱۳۸۵: ۹۲)، وابستگی شدید فعالیت کشاورزی به شرایط محیطی و زیستی، حساسیت بالای آن در برابر تغییرات اقلیمی، و تغییرات درازمدت در میزان آب، پایین آمدن کیفیت خاک، گسترش بیابان، بیماری و شیوع آفات. اما الگوهای توسعه همگن بیانگر این واقعیت است که رفتار اقتصادی انسان بدون توجه به کیفیت زمین یا توان منابع طبیعی انجام می‌شود (کلانتری و عبداله‌زاده، ۱۳۹۱: ۱۰۳). به‌طور کلی، رفتار کشاورزان در

پرداختن به فعالیت‌های کشاورزی نظیر میزان مشارکت با مردم در توسعه کشاورزی، گسترش دامنه شغلی در کشاورزی، خرید دام و طیور، خرید زمین، یکپارچه‌سازی اراضی خرد، تقویت کیفیت خاک مزرعه، سرمایه‌گذاری در اصلاح شبکه آبیاری، استفاده از نظام اطلاعات و فناوری در تولید و فروش، و ترغیب و تشویق مردم در سرمایه‌گذاری برای توسعه کشاورزی به روابط متقابل نیروهای سیاسی و اقتصادی مانند رفتار دولت و بازار بستگی دارد.

در منطقه مورد مطالعه، ۶۷۷۷۸ هکتار اراضی آبی و دیمی وجود دارد که از آن میان ۴۰۲۱۳ هکتار آبی و بقیه اراضی دیمی است که حدود ۹/۵ درصد اراضی زراعی استان آذربایجان غربی را تشکیل می‌دهد و مجموع محصولی که از آن به دست می‌آید، ۶۰۶۳۱۱ تن یا پانزده درصد کل محصولات استان است. همچنین، کل باغ‌های شهرستان ۹۶۴۴ هکتار با تولید ۱۲۳۲۳۹ تن محصول است. در این شهرستان، پانزده سردخانه و یک انبار و سیلو وجود دارد که به ترتیب، ۶/۸۵ و ۳/۲۳ درصد از کل سردخانه‌ها و انبارهای استان را شامل می‌شود. بخش مهمی از نیروی کار جوان و سرمایه در سال‌های اخیر از بخش کشاورزی خارج و بیشتر آنها به شهرها و بخش اقتصادی خدمات منتقل شده است و بیشتر کسانی که در بخش کشاورزی باقی مانده‌اند، در این بخش کمتر سرمایه‌گذاری می‌کنند و در توسعه کشاورزی، به تمهیدات لازم از جمله استفاده از نظام اطلاعات و فناوری در تولید و فروش، یکپارچه‌سازی اراضی خرد، تقویت کیفیت خاک مزرعه، و سرمایه‌گذاری در اصلاح شبکه آبیاری نمی‌پردازند و یا برای توسعه فعالیت‌های کشاورزی و ایجاد فرصت‌های شغلی در این بخش مشارکت و همکاری لازم را انجام نمی‌دهند. استدلال بر این است که ضعف صرفه اقتصادی بخش کشاورزی به خاطر ضعف عملکرد عوامل بازار، شهر و رفتار دولت (برون‌سیستمی) و عوامل طبیعی و پایه تولید (درون سیستمی) در تصمیم‌گیری افراد نقشی تعیین‌کننده ایفا می‌کند و منجر به خروج نیروی انسانی جوان و توانمند از فعالیت‌های

کشاورزی می‌شود. در نتیجه، بازار، رفتار دولت و اقتصاد شهری در روستاها بر تصمیم‌گیری روستاییان در پرداختن به فعالیت‌های تولید کشاورزی تأثیرگذار است و همچنین، فرض بر این است که عوامل درون‌سیستمی و برون‌سیستمی در رفتار روستاییان در ترک و عدم ترک فعالیت کشاورزی نیز تأثیر متفاوت دارند. بر این مبنای، هدف تحقیق حاضر شناسایی عوامل مؤثر بر رفتار کشاورزان در پرداختن به فعالیت‌های کشاورزی و نیز ارائه راهبرد برای تسهیل و رفع مشکلات پیش رو است.

مبانی نظری و پیشینه تحقیق

افزایش درآمدهای نفتی باعث می‌شود که دولت به عنوان تنها مالک و صاحب منابع و ذخایر نفتی، از طریق تخصیص عواید آن به بخش‌های مختلف اقتصادی، به صورت برنامه‌ریزی، هدایت‌کننده و کارگزار اصلی جریان توسعه ملی کشور درآید (نوروزی، ۱۳۸۵: ۸). درآمدهای حاصل از صادرات نفت در مقابل درآمدهای ناشی از تولید ناخالص داخلی هر سال وزن‌تر می‌شود (رحیمی، ۱۳۸۹: ۷۳) و بدین ترتیب، اقتصاد ملی از وابستگی به مازاد تولیدات کشاورزی و دامی تغییر پایگاه داده، به درآمدها و عواید ناشی از نفت متکی می‌شود (رهنمایی و همکاران، ۱۳۸۹: ۵۰). عدم نیازمندی دولت به فعالیت‌های تولیدی در درآمدهایی بر انگیزه و میل دولت در توسعه این بخش تأثیرگذار است و به همین خاطر، در راستای توسعه کشاورزی، اقداماتی نظیر بیمه محصولات، بازاریابی و توسعه زیرساخت از قبیل صنعتی‌سازی کشاورزی، استقرار بازارهای فیزیکی برای ارائه محصول به بازار، برنامه‌ریزی برای کاهش واسطه‌گری به منظور بازگرداندن سرمایه و ارزش افزوده به روستاها، توسعه و گسترش نظام آبیاری مکانیزه، اصلاح و تسطیح خاک، توانمندسازی و آموزش کشاورزان، ارائه تسهیلات، نظارت بر تسهیلات کشاورزی در زمینه هزینه و مصرف آن در بخش کشاورزی، اصلاح نظام قیمت‌گذاری و تعیین قیمت به نرخ بازار بین‌المللی و شناور ساختن قیمت‌گذاری، تضمین خرید برای تنظیم بازار، و ایجاد سندیکا و تشکل‌های

کشاورزی که در ایجاد انگیزه و تشویق جوانان و روستاییان در سرمایه‌گذاری و پرداختن به فعالیت‌های کشاورزی مؤثر است، کمتر و یا به صورت ناقص انجام می‌شود. از سوی دیگر، با توجه به گسترش فضای رانت‌جویانه، شهرها سرمایه‌ها را به سوی خود جذب می‌کنند. در فضای رانتی، رفتار اقتصادی و انتخاب عقلانی کشاورزان به سمت گریز از کار و فعالیت‌های تولیدی سوق می‌یابد، زیرا بر اساس قاعدهٔ بیشینه‌سازی سود و منفعت اقتصادی، نیروی کار و سرمایه‌ها و تلاش‌ها در جایی به کار گرفته می‌شود که با کمترین تلاش و سرمایه، بیشترین سود به دست آید. از آنجا که این فضای رانتی با انباشت درآمدهای نفتی در مراکز شهری رخ می‌نماید، به ایجاد دوگانگی فضایی انباشت و فرصت‌های اقتصادی بین سکونتگاه‌های انسانی در عرصه‌های جغرافیایی یعنی شهرها و روستاها می‌انجامد. با فرض بر این توسعهٔ اقتصادی خدماتی و تا حدی صنعتی در شهرها، علاوه بر دوگانگی فضایی، دوگانگی اقتصادی بین «اقتصاد خدماتی و صنعتی» و «اقتصاد کشاورزی» شکل می‌گیرد و سرمایه و نیروی کار از بخش کشاورزی به سمت اقتصاد خدماتی تورم‌زا و صنایع جریان می‌یابد. در چنین فضایی، گریز نیروی انسانی از بخش کشاورزی به سمت سایر بخش‌ها تشدید می‌شود. دولت، در طول چند دههٔ اخیر، با تلاش عناصر شهری خود و با اتکا به درآمدهای نفتی (مازاد ملی) خواسته یا ناخواسته در تأمین اقتصاد شهری ایران نقش به‌سزا داشته است (رهنمایی، ۱۳۷۳: ۲۶). البته مشکلات کشاورزی تنها به رفتار رانتی دولت و یا تفاوت درآمدی و ارزش افزودهٔ کشاورزی با بخش خدمات و تا حدی صنعت محدود نمی‌شود. بازار از دیگر نیروهای اصلی در سامان‌دهی نظام اقتصادی است. شبکه‌های بازاریابی می‌تواند با کاهش حواشی بازاریابی محصول، کاهش زمان فرآیند بازاریابی و کاهش واسطه‌ها، به افزایش بهره‌وری، بهبود شرایط کیفی محصول و یا حفظ آن تا زمان انتقال به مصرف‌کننده انجامیده، به دستیابی تولیدکنندهٔ اصلی به سطحی متعادل‌تر از سود و ارزش افزودهٔ ناشی از تولید منجر شود (رضوانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۳). همچنین، دسترسی کشاورزان به بازارهای

بین‌المللی، اشاعه فناوری‌های نوین، درجه‌بندی محصول، گسترش صنایع تبدیلی و فرآوری محصول، دسترسی کشاورزان به قیمت‌های واقعی (Nossal and Goody, 2009: 14)، افزایش درآمد و پس‌انداز، تخصیص بهینه منابع به عوامل تولید و گسترش سرمایه‌گذاری مجدد از نمودهای شرایط مطلوب بازار برای فعالان بخش کشاورزی به‌شمار می‌روند. شرایط بازار به‌گونه‌ای است که بیشتر کشاورزان را در معرض نوسان‌ها و اختلاف قیمت و مقدار تولید قرار می‌دهد؛ و در این میان، سازوکار سیاست‌گذاری و تنظیم بازار می‌تواند ایمنی‌های لازم را در برابر خطرهای احتمالی فراهم آورد (European Commission, 2009: 4). نفت، رفتار مبتنی بر رانت دولت و بازار رانته شهری (دلالت‌بازی و واسطه‌گری) تولیدکننده را از بازار مصرف و مصرف‌کننده جدا و جریان سرمایه به نقاط روستایی و کشاورزی را محدود کرده است.

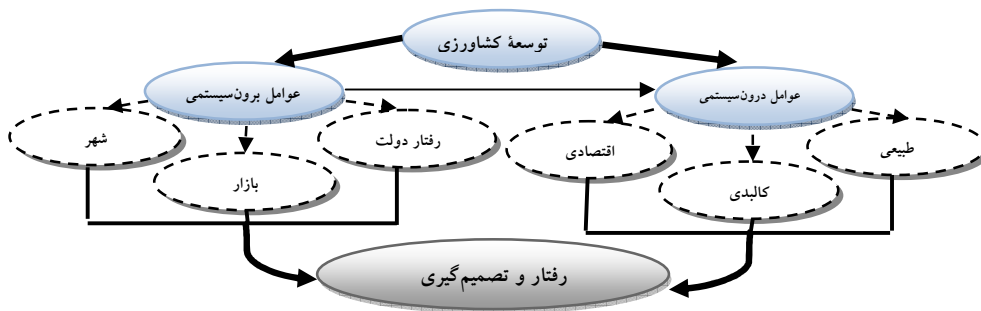
مطالعات نشان می‌دهد که دو عامل نفتی شدن اقتصاد و تکوین نظام جدید دیوان‌سالاری (رهنمایی، ۱۳۷۳) در توسعه شهری دخالت دارند. رشد و توسعه شهری بدون ارتباط با روستا و توسعه روستاها و با سرمایه‌گذاری درآمدهای نفتی توسط دولت (پاپلی یزدی، ۱۳۸۲) انجام می‌گیرد. نقش دولت در توسعه زیرساخت‌های کالبدی و تأمین بسیاری از نیازهای اساسی روستاییان حائز اهمیت است. هرچند، میزان جریان سرمایه حاصل از نفت به سمت روستاها نسبت به شهرها اندک بوده ولی بدون تردید، این پدیده در روستاها هم اتفاق افتاده است (تقیلو و عبداللهی، ۱۳۹۲: ۳۴). اما مسئله مهمی که علاوه بر تفاوت میزان سرمایه‌گذاری دولت در شهر و روستا وجود دارد، این است که با روانه شدن مازاد و درآمد سرمایه‌گذاری در روستاها (به دلیل شکل‌گیری فضای رانته در سکونتگاه‌های شهری)، به سمت شهر، از انباشت سرمایه و سرمایه‌گذاری مجدد در روستاها جلوگیری می‌شود، که دلیل آن نیز وجود دوگانگی فضایی و دوگانگی اقتصاد شهری (رانته) و اقتصاد روستایی (غیررانته) است و انگیزه کسب سود و بیشینه‌سازی منفعت در رفتار روستاییان در انتقال سرمایه و فعالیت در اقتصاد شهری را تقویت می‌کند و انگیزه پرداختن به تولید کشاورزی را کاهش می‌دهد.

در زمینه عدم توسعه فعالیت‌های تولیدی و کاهش انگیزه سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی، مطالعات به صورت مستقیم و غیرمستقیم بدین موضوع اشاراتی داشته‌اند که در پی، پاره‌ای از این مطالعات را یادآور می‌شویم.

ارتیایی و همکاران (۱۳۹۰) به کنکاش در عوامل تأثیرگذار بر مشارکت جوانان روستایی در توسعه کشاورزی پرداختند و بدین نتیجه دست یافتند که مشارکت جوانان در فعالیت‌های کشاورزی در سطح متوسط قرار دارد و عامل اصلی تبیین‌کننده را نگرش نسبت به فعالیت‌های کشاورزی دانستند. رکن‌الدین افتخاری و همکاران (۱۳۸۸) عوامل مؤثر استرس‌زا در کشاورزان روستاهای استهبان را بررسی کردند، و نتایج نشان داد که دو عامل طبیعی و اقتصادی تأثیر بیشتری در استرس روستاییان در فعالیت‌های تولیدی کشاورزی داشته است. شریف‌زاده و همکاران (۱۳۸۹) در بررسی موانع توسعه کسب‌وکارهای کشاورزی در استان گلستان بدین نتایج دست یافتند که عوامل طبیعی و بازار مانع توسعه کسب‌وکار کشاورزی است. فاضل‌بیگی و یآوری (۱۳۸۹)، با واکاوی چالش‌های فراروی صندوق بیمه محصولات کشاورزی در ایران، ساختار نامناسب واحدهای تولیدی، عدم یکپارچگی اراضی، نبود استانداردهای تولید، و نظام‌های بهره‌برداری معیشتی را از مشکلات بیمه محصولات کشاورزی معرفی کردند. صامتی و فرامرزیپور (۱۳۸۳)، در بررسی موانع سرمایه‌گذاری خصوصی در بخش کشاورزی ایران، نرخ تورم و ارزش افزوده را مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در کشاورزی دانستند. کوناری (Konare, 2001) چالش‌های اعتباری در بخش کشاورزی کشور مالی را بررسی کرد؛ براساس نتایج این پژوهش، دسترسی ناکافی کشاورزان به منابع مالی مهم‌ترین چالش‌نوسازی بخش کشاورزی است. آنسلم (Anselm, 2009)، در بررسی چالش‌های سازگاری بخش کشاورزی با تغییرات آب و هوایی در جنوب شرقی نیجریه، تغییر اقلیم را مؤثرترین عامل در میزان تولیدات به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه معرفی کرد. یلما و همکاران (Yilma et al., 2004)، در

بررسی اثرات آزادسازی اقتصاد بر بخش کشاورزی غنا، چنین نتیجه گرفتند که با حذف یارانه‌ها از بخش کشاورزی توسط دولت، کشاورزان برای جبران کمبود سرمایه به مشاغل دیگر در سایر بخش‌های اقتصادی روی آوردند.

امتیاز تحقیق حاضر نسبت به مطالعات مشابه پیشین در نگرش سیستمی آن به رفتار کشاورزان در پرداختن به فعالیت‌های کشاورزی بوده و در واقع، پژوهش حاضر بر آن است که به مطالعه اثرات تمامی ابعاد طبیعی، اقتصادی، اجتماعی و مدیریتی به صورت همه‌جانبه بپردازد و بر اساس همین مبانی است که چارچوب نظری تحقیق به صورت زیر ترسیم شده است:



شکل ۱- چارچوب نظری و مدل تحلیل

روش تحقیق

پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی و تبیینی و نیز بر مبنای استدلال قیاسی انجام شده است. پس از مطالعات اکتشافی در چارچوب تحلیل نظریه‌ها و پیشینه تجربی تحقیق، نخست، عوامل مؤثر بر رفتار و تصمیم‌گیری افراد در قالب متغیرهای درون و برون‌سیستمی فعالیت کشاورزی شناسایی و در راستای پاسخ به سؤال تحقیق، تعریف عملیاتی شدند؛ سپس، برای جمع‌آوری اطلاعات، پرسشنامه‌هایی با هدف سنجش میزان تأثیر هر گروه از

متغیرها (درون‌سیستمی / برون‌سیستمی) بر گرایش روستاییان به انجام فعالیت‌های کشاورزی در روستاهای شهرستان میاندوآب طراحی شدند. نمونه‌گیری تحقیق به دو صورت انجام گرفت: ابتدا ۲۷ روستا از بین روستاهای شهرستان و سپس، از آن میان، جامعه نمونه بر اساس رابطه کوکران، تعداد ۳۷۰ نفر به صورت تصادفی در سال ۱۳۹۳ انتخاب شدند. در تجزیه و تحلیل اطلاعات، تحلیل توصیفی و استنباطی آماری با استفاده از میانگین، آزمون t و رگرسیون انجام شده است. همچنین، از تحلیل عاملی برای بررسی عوامل مؤثر و تعیین وزن شاخص‌های رفتار دولت در تصمیم‌گیری افراد استفاده شده است.

متغیرهای تحقیق را دو گروه درون‌سیستمی کشاورزی و برون‌سیستمی اقتصاد کشاورزی به‌عنوان متغیرهای مستقل و تصمیم‌گیری و رفتار افراد در گرایش به فعالیت‌های کشاورزی به‌عنوان متغیر تابع تشکیل می‌دهند.

جدول ۱- متغیرهای وابسته تحقیق

رفتار اجتماعی	میزان مشارکت با مردم در توسعه کشاورزی، ترغیب و تشویق مردم در سرمایه‌گذاری در توسعه کشاورزی
رفتار اقتصادی	گسترش دامنه شغلی خود در کشاورزی، خرید دام و طیور، خرید زمین، استفاده از نظام اطلاعات و فناوری در تولید و فروش، یکپارچه‌سازی اراضی خرد، تقویت کیفیت خاک مزرعه، سرمایه‌گذاری در اصلاح شبکه آبیاری

مأخذ: یافته‌های پژوهش

جدول ۲- متغیرهای درون‌سیستمی

اقتصادی	تفاوت درآمدی و ارزش افزوده کشاورزی با بخش غیرکشاورزی، تنوع و تعدد فعالیت در کشاورزی برای هر بهره‌بردار، طول مدت فعالیت کشاورزی در شبانه‌روز، وابستگی شدید فعالیت کشاورزی به شرایط محیطی، حساسیت بالای کشاورزی در برابر تغییرات اقلیمی
طبیعی	تغییرات در میزان آب، پایین آمدن کیفیت خاک، بیماری و شیوع آفات، سرمازدگی محصولات
کالبدی	پراکندگی اراضی، اندازه قطعات اراضی، فضای کالبدی نامناسب روستا

مأخذ: یافته‌های پژوهش

جدول ۳- متغیرهای برون سیستمی

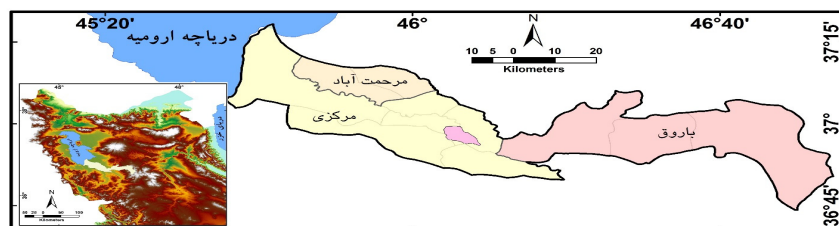
بازار	بازاریابی، استقرار بازارهای فیزیکی برای ارائه محصول، اصلاح نظام قیمت‌گذاری و تعیین قیمت به نرخ بازار بین‌المللی و شناور ساختن قیمت‌گذاری، تضمین خرید برای تنظیم بازار، دسترسی کشاورزان به بازارهای بین‌المللی، درجه‌بندی محصول، دسترسی کشاورزان به قیمت‌های واقعی، واردات محصول از سوی دولت، کمبود سردخانه و محل نگهداری
رفتار	بی‌توجهی دولت به بخش کشاورزی، عدم برنامه‌ریزی برای کاهش واسطه‌گری به منظور بازگرداندن سرمایه و ارزش افزوده به روستاها، نظام کارآمد بیمه محصولات، عدم توسعه زیرساخت از قبیل صنعتی‌سازی کشاورزی، توسعه و گسترش نظام آبیاری مکانیزه، اصلاح و تسطیح خاک، توانمندسازی و آموزش کشاورزان، ارائه تسهیلات، نظارت بر تسهیلات کشاورزی در زمینه هزینه و مصرف آن در بخش تولید کشاورزی، ایجاد سندیکا و تشکل‌های کشاورزی، حذف یارانه‌ها از بخش کشاورزی توسط دولت، عدم آگاهی کشاورزان، پراکندگی زمین‌های کشاورزی، تمرکز توجه دولت به شهرها
شهر	تمرکز ثروت و سرمایه در شهرها، وجود فضای رانت برای کسب سود بیشتر، ثبات شغلی در اقتصاد شهری، ثبات درآمدی در اقتصاد شهری، بیمه اشتغال شهری

مأخذ: یافته‌های پژوهش

معرفی منطقه

شهرستان میان‌دوآب در جنوب شرقی استان آذربایجان غربی قرار گرفته و بر اساس آخرین تقسیمات سیاسی-اداری، به سه بخش و یازده دهستان تقسیم شده است و ۲۰۱ روستای مسکونی دارد (شکل ۲).

بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰، جمعیت شهرستان میان‌دوآب ۲۶۰۶۲۸ نفر گزارش شده است که از این تعداد جمعیت، ۱۲۴۷۴۸ نفر در روستا و بقیه در شهرها زندگی می‌کنند. نسبت روستانشینی در این شهرستان در دوره آماری ۱۳۹۰ برابر با ۴۷/۸۶ درصد بوده و سهم جمعیت روستایی این شهرستان از کل جمعیت و جمعیت روستایی استان، به ترتیب، برابر با ۴ و ۱۰/۸۶ درصد است.



شکل ۲- موقعیت جغرافیایی منطقه

نتایج و بحث

عوامل درون‌سیستمی

عوامل‌های اقتصادی و رفتار اقتصادی و اجتماعی کشاورزان

برای تحلیل رفتار روستاییان در فعالیتهای کشاورزی و سنجش رفتار اقتصادی و اجتماعی آنها در زمینه توسعه کشاورزی در مقیاس (بی‌میل، کم، متوسط، زیاد، و خیلی زیاد)، از آزمون t استفاده شد. نتایج بررسی رفتار اقتصادی کشاورزان (گسترش دامنه شغلی خود در کشاورزی، خرید دام و طیور، خرید زمین کشاورزی، استفاده از نظام اطلاعات و فناوری در تولید و فروش، یکپارچه‌سازی اراضی خرد، تقویت کیفیت خاک مزرعه، سرمایه‌گذاری در اصلاح شبکه آبیاری) نشان می‌دهد که کشاورزان انگیزه و تمایل کمتری به پرداختن به فعالیتهای کشاورزی دارند. میانگین رفتار اقتصادی کشاورزان ۲/۳۳ و فاصله آن با سطح متوسط زیاد است و در سطح اطمینان ۹۵ درصد مقدار معنی‌داری آنها کمتر از ۰/۰۵ بوده که نشان‌دهنده پایین بودن انگیزه کشاورزان به ادامه فعالیتهای کشاورزی است. همچنین، رفتار اجتماعی کشاورزان (میزان مشارکت با مردم در توسعه کشاورزی، ترغیب و تشویق مردم در سرمایه‌گذاری در توسعه کشاورزی) نشانگر ضعف این‌گونه رفتار در توسعه کشاورزی بوده است. میانگین رفتار اجتماعی برابر با ۲/۴۳ است که با سطح متوسط (مقدار ۳) در سطح اطمینان ۹۵ درصد اختلاف معنی‌دار (۰/۰۰۰) دارد.

جدول ۴- رفتار روستاییان در توسعه بخش کشاورزی

تعداد	آزمون t			شرح
	سطح معنی داری	انحراف معیار	میانگین	
۳۶۹	۰/۰۰۰	۰/۹۱۱	۲/۳۳	رفتار اقتصادی در فعالیتهای کشاورزی
۳۶۹	۰/۰۰۰	۱/۱۹	۲/۴۳	رفتار اجتماعی در فعالیتهای کشاورزی

مأخذ: یافته‌های پژوهش

در افزایش خروج نیروی انسانی از بخش کشاورزی عوامل متعدد تأثیرگذار است. عوامل اقتصادی تأثیرگذار در خروج نیروی انسانی از فعالیتهای کشاورزی در جدول ۵ آمده است. بر اساس نتایج بررسی همبستگی عملکرد شاخص‌های اقتصادی با رفتار اقتصادی کشاورزان، تفاوت درآمدی و ارزش افزوده کشاورزی با بخش غیرکشاورزی همبستگی معکوس ($-۰/۲۸۶$) دارد؛ این همبستگی در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنی دار است ($۰/۰۰۲$) و به دیگر سخن، با بالا رفتن تفاوت‌های درآمدی و ارزش افزوده فعالیتهای کشاورزی، میزان تمایل کشاورزان در گسترش دامنه شغلی خود در این بخش، خرید دام و طیور، خرید زمین، استفاده از نظام اطلاعات و فناوری در تولید و فروش، یکپارچه‌سازی اراضی خرد، تقویت کیفیت خاک مزرعه، و سرمایه‌گذاری در اصلاح شبکه آبیاری کاهش پیدا می‌کند. ولی رفتار اقتصادی کشاورزان و پرداختن به فعالیتهای کشاورزی با تنوع و تعدد فعالیت در اقتصاد کشاورزی برای هر بهره‌بردار، طول مدت فعالیت کشاورزی در شبانه‌روز، وابستگی شدید فعالیت کشاورزی به شرایط محیطی و زیستی، و حساسیت بالای کشاورزی در برابر تغییرات اقلیمی وجود ارتباط کمتری دارد (جدول ۵).

سنجش میزان تأثیرگذاری عوامل، با استفاده از برآورد الگوی رگرسیونی انجام شد. بر اساس نتایج به دست آمده، تفاوت درآمدی و ارزش افزوده کشاورزی با بخش غیرکشاورزی بیشترین تأثیر را در رفتار اقتصادی کشاورزان داشته و تنها این عامل دارای تأثیر معنی دار بر تمایل کشاورزان است. ضریب تأثیر این عامل برابر با $۰/۴۰$ بوده که

در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنی دار است و به تنهایی چهل درصد رفتار اقتصادی را تبیین می‌کند. سایر گویه‌ها تأثیر کمتری در رفتار اقتصادی کشاورزان داشته و تأثیرگذاری آنها معنی دار نبوده است.

توسعه بخش کشاورزی به همان مقدار که به عوامل اقتصادی وابسته است، از عوامل اجتماعی همچون مشارکت نیز تأثیری به سزا می‌پذیرد. نتایج گویای این مطلب است که گویه‌های اقتصادی با رفتار اجتماعی همبستگی ندارند و تمامی آنها سطح معنی داری بالاتر از ۰/۰۵ دارند. ولی در بین همه عوامل، حساسیت بالای کشاورزی در برابر تغییرات اقلیمی (مانند خشکسالی) بیشترین تأثیر را در رفتار اجتماعی داشته و ضریب تأثیر آن ۰/۲۳ بوده است که به تنهایی ۲۳ درصد از رفتار اجتماعی را با سطح معنی داری ۰/۰۳۶، تبیین می‌کند.

جدول ۵- عوامل اقتصادی تأثیرگذار بر رفتار اقتصادی و اجتماعی روستاییان در بخش کشاورزی

گویه‌ها	رفتار اقتصادی		رفتار اجتماعی	
	مقدار همبستگی	میزان تأثیرگذاری	مقدار همبستگی	میزان تأثیرگذاری
	مقدار Sig.	مقدار β	مقدار Sig.	مقدار β
تفاوت درآمدی و ارزش افزوده کشاورزی با بخش غیرکشاورزی	۰/۰۰۲	-۰/۴	۰/۰۰۱	۰/۰۴۷
تنوع و تعدد فعالیت در اقتصاد کشاورزی برای هر بهره‌بردار	۰/۷۱۴	۰/۰۷۱	۰/۳۹۷	۰/۰۸۱
طول مدت فعالیت کشاورزی در شبانه‌روز	۰/۷۳۲	۰/۱۹۸	۰/۷۱۸	۰/۰۳۵
وابستگی شدید فعالیت کشاورزی به شرایط محیطی و زیستی (آب و خاک)	۰/۹۰۸	۰/۰۳۲	۰/۱۳۲	۰/۱۴۴
حساسیت بالای کشاورزی در برابر تغییرات اقلیمی (مانند خشکسالی)	۰/۱۴۲	۰/۰۰۸	۰/۲۶۵	-۰/۱۰۷

مأخذ: یافته‌های پژوهش

عامل های طبیعی و رفتار اقتصادی و اجتماعی

عوامل طبیعی از دیگر عوامل مؤثر بر رفتار انسان است. نتایج بررسی نشان می دهد که کاهش کیفیت خاک، بیماری و شیوع آفات و سرمازدگی با رفتار اقتصادی کشاورزان همبستگی معکوس دارند؛ به دیگر سخن، هر چه میزان این عوامل بالاتر رود، میزان علاقه مندی کشاورزان به فعالیت های کشاورزی کاهش می یابد. از آنجا که در منطقه مورد مطالعه منابع آبی زیرزمینی و سطحی غنی است، این عوامل از نظر کشاورزان تعیین کننده نبوده است. از نظر تأثیرگذاری، بالاترین تأثیر از میان عوامل طبیعی به بیماری و شیوع آفات برمی گردد. ضریب تأثیر این شاخص برابر با $-0/353$ در سطح $0/001$ معنی دار است و حدود ۳۵ درصد رفتار اقتصادی کشاورزان را تبیین می کند. سایر شاخص ها نیز به صورت مستقیم تأثیرگذار نیستند. میان عوامل طبیعی و رفتار اجتماعی نیز همبستگی لازم وجود ندارد و سطح معنی داری همه عوامل طبیعی بیش از $0/05$ بوده و از نظر تأثیرگذاری نیز رابطه به شکلی است که هیچ کدام از عوامل طبیعی به صورت مستقیم در رفتار اجتماعی کشاورزان در ارتباط با فعالیت های کشاورزی مؤثر نیستند.

جدول ۶- عوامل طبیعی تأثیرگذار بر رفتار اقتصادی و اجتماعی روستاییان در بخش کشاورزی

گویه ها	رفتار اقتصادی		رفتار اجتماعی	
	مقدار همبستگی	میزان تأثیرگذاری	مقدار همبستگی	میزان تأثیرگذاری
	Sig.	مقدار β	Sig.	مقدار β
تغییرات در میزان آب	0/139	0/142	0/107	-0/015
پایین آمدن کیفیت خاک	-0/202	0/030	0/082	-0/065
بیماری و شیوع آفات	-0/309	0/000	0/079	-0/01
سرمازدگی محصولات	-0/257	0/006	0/189	-0/102

مأخذ: یافته های پژوهش

عامل‌های کالبدی و رفتار اقتصادی و اجتماعی

بین عوامل کالبدی و گسترش دامنه شغلی کشاورزان در بخش کشاورزی، خرید دام و طیور، خرید زمین کشاورزی، استفاده از نظام اطلاعات و فناوری در تولید و فروش، یکپارچه‌سازی اراضی، تقویت کیفیت خاک مزرعه، سرمایه‌گذاری در اصلاح شبکه آبیاری همبستگی معکوس وجود دارد؛ به دیگر سخن، با کاهش پراکندگی اراضی و بزرگ‌تر شدن قطعات زمین (۰/۳۶۲-) و بالا رفتن کیفیت کالبدی روستاها، سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی از طرف روستاییان گسترش می‌یابد. ولی در این بین، از نظر تأثیرگذاری، بیشترین تأثیر را پراکندگی اراضی و کوچک بودن قطعات اراضی در رفتار اقتصادی داشته است. ضریب تأثیر این عامل برابر با ۰/۳۳۴- و سطح معنی‌داری آن ۰/۰۰۱ است که در حدود ۳۳ درصد رفتار اقتصادی کشاورزان و انگیزه آنها در پرداختن به فعالیت‌های کشاورزی و سرمایه‌گذاری در این بخش را تبیین می‌کند. ولی هیچ‌کدام از عوامل یادشده با رفتار اجتماعی کشاورزان در ارتباط نیست و مقدار همبستگی آنها فاقد ارزش آماری است.

جدول ۷- عوامل کالبدی تأثیرگذار بر رفتار اقتصادی و اجتماعی روستاییان در بخش کشاورزی

گویه‌ها	رفتار اقتصادی				رفتار اجتماعی			
	مقدار همبستگی		میزان تأثیرگذاری		مقدار همبستگی		میزان تأثیرگذاری	
	مقدار	Sig.	مقدار β	Sig.	مقدار	Sig.	مقدار β	Sig.
پراکندگی اراضی و کوچک بودن قطعات اراضی	-۰/۳۶۲	۰/۰۰۰	-۰/۳۳۴	۰/۰۰۱	۰/۰۸۹	۰/۳۵۱	۰/۰۳۴	۰/۷۴۳
فضای کالبدی نامناسب روستا	-۰/۱۹۱	۰/۰۴۴	-۰/۰۵۵	۰/۵۸	۰/۱۵۱	۰/۱۱۵	۰/۱۳۵	۰/۲

مأخذ: یافته‌های پژوهش

عوامل برون‌سیستمی**بازار و رفتار اقتصادی و اجتماعی**

استقرار بازارهای فیزیکی برای ارائه محصول و کمبود سردخانه و محل نگهداری محصولات با رفتار اقتصادی کشاورزان رابطه دارند. بر اساس نتایج به دست آمده، میزان همبستگی این عوامل، به ترتیب، برابر با $0/214-$ و $0/213$ و سطح معنی‌داری آن نیز $0/02$ است. سایر عوامل با رفتار اقتصادی ارتباط ندارند. از نظر تأثیرگذاری، هیچ‌کدام از عوامل بر رفتار اقتصادی تأثیر نمی‌گذارند و سطح معنی‌داری آنها بالاتر از $0/05$ است. از میان عوامل بازاری، تنها عامل کمبود سردخانه با رفتار اجتماعی ارتباط دارد و رابطه آنها مثبت است؛ به دیگر سخن، با افزایش تعداد سردخانه و انبار در روستاها، روابط اجتماعی و مشارکت مردم برای توسعه کشاورزی بیشتر می‌شود. بر اساس نتایج به دست آمده، میزان همبستگی این عوامل با همدیگر $0/184$ و سطح معنی‌داری آن $0/05$ است. نتایج بررسی نشان‌دهنده عدم تأثیرگذاری عوامل بازاری بر رفتار اجتماعی بوده و همه عوامل مورد بررسی دارای سطح معنی‌داری بالاتر از $0/05$ است که از عدم تأثیر آنها بر رفتار اجتماعی حکایت دارد.

شهر و رفتار اقتصادی و اجتماعی

شهر و شهرنشینی نیز با توسعه کشاورزی و اقتصاد روستایی دارای ارتباطی پیچیده است. نتایج بررسی همبستگی عوامل شهری با رفتار اقتصادی نشان می‌دهد که همه عوامل بررسی شده با رفتار اقتصادی مردم در بخش کشاورزی همبستگی منفی در سطح اطمینان ۹۹ درصد دارند. از بین عوامل بررسی شده، تمرکز ثروت و سرمایه در شهرها و ثبات درآمدی در اقتصاد شهری تأثیری به سزا در رفتار اقتصادی دارد و بر اثر آن، سرمایه‌ها از روستاها به سمت شهرها جریان پیدا می‌یابد و بدین ترتیب، سرمایه از بخش کشاورزی

خارج می‌شود و مردم برای اشتغال در شهر انگیزه زیادی پیدا می‌کنند و از این‌رو، نیروی انسانی توانمند نیز از بخش کشاورزی خارج می‌شود. ضریب تأثیر این عوامل بر رفتار اقتصادی کشاورزان، به ترتیب، برابر با $-0/253$ و $-0/257$ و سطح معنی‌داری آنها $0/037$ و $0/007$ است. بنابراین هر کدام از این عوامل در حدود ۲۵ درصد رفتار اقتصادی مردم را تبیین می‌کنند. برخلاف رفتار اقتصادی، عوامل بازار با رفتار اجتماعی همبستگی ندارند و از نظر تأثیرگذاری نیز همه عوامل بازاری مورد بررسی تأثیر معنی‌دار بر رفتار اجتماعی و مشارکت مردم در توسعه کشاورزی ندارند.

جدول ۸- عوامل بازاری تأثیرگذار بر رفتار اقتصادی و اجتماعی روستاییان در بخش کشاورزی

گویه‌ها	رفتار اقتصادی		رفتار اجتماعی	
	میزان تأثیرگذاری	مقدار همبستگی	میزان تأثیرگذاری	مقدار همبستگی
	Sig.	مقدار β	Sig.	مقدار β
بازاریابی	0/065	-0/163	0/133	-0/090
استقرار بازارهای فیزیکی برای ارائه محصول	0/022	-0/086	0/052	0/120
اصلاح نظام قیمت‌گذاری و تعیین قیمت به نرخ بازار بین‌المللی و شناور ساختن قیمت‌گذاری	0/251	0/066	0/62	0/133
تضمین خرید برای تنظیم بازار	0/081	-0/138	0/358	0/019
دسترسی کشاورزان به بازارهای بین‌المللی	0/109	0/029	0/839	0/033
درجه‌بندی محصول، دسترسی کشاورزان به قیمت‌های واقعی	0/256	0/001	0/996	0/046
واردات محصول از سوی دولت	0/202	0/105	0/443	0/066
کمبود سردخانه و محل نگهداری	0/022	-0/196	0/106	0/184

مأخذ: یافته‌های پژوهش

جدول ۹- شهر و رفتار اقتصادی و اجتماعی روستاییان در بخش کشاورزی

رفتار اجتماعی		رفتار اقتصادی		گویه‌ها				
میزان تأثیرگذاری	مقدار همبستگی	میزان تأثیرگذاری	مقدار همبستگی					
Sig.	مقدار β	Sig.	مقدار β	Sig.	مقدار β			
۰/۳۱۴	۰/۱۳۶	۰/۱۴۴	۰/۱۳۸	۰/۰۳۷	-۰/۲۵۳	۰/۰۰۰	-۰/۴۳۱	تمرکز ثروت و سرمایه در شهرها
۰/۱۱۲	۰/۲۴۹	۰/۱۳۸	۰/۱۴۰	۰/۴۸۳	-۰/۰۹۹	۰/۰۰۰	-۰/۴۰۸	وجود فضای رانت
۰/۸۵۹	-۰/۰۲۸	۰/۸۷۳	۰/۰۱۵	۰/۹۶۶	-۰/۰۰۶	۰/۰۰۰	-۰/۳۵۶	ثبات شغلی در اقتصاد شهری
۰/۰۶۹	-۰/۲۹۵	۰/۷۲۱	-۰/۰۳۴	۰/۰۰۷	-۰/۲۵۷	۰/۰۰۰	-۰/۴۲۸	ثبات درآمدی در اقتصاد شهری
۰/۸۰۲	۰/۰۳۷	۰/۴۹۷	۰/۰۶۵	۰/۵۴۹	۰/۰۷۷	۰/۰۰۱	-۰/۳۱۲	بیمه اشتغال شهری

مأخذ: یافته‌های پژوهش

سیاست‌های دولت و رفتار اقتصادی و اجتماعی کشاورزان

با توجه به تعداد زیاد متغیرها و سیاست‌های دولت در زمینه برنامه‌ریزی کشاورزی، برای شناخت اصلی‌ترین متغیرها، از تحلیل عاملی استفاده شد. سطح معنی‌داری آزمون بارتلت نشان می‌دهد که تحلیل اطلاعات از طریق تحلیل عاملی میسر است. همچنین، مقدار شاخص کایسر-مایر (بالای ۰/۶) گویای کفایت مناسب نمونه‌گیری برای انجام تحلیل عاملی اکتشافی است.

جدول ۱۰- نتیجه آزمون بارتلت

کایسر مایر (KMO)	
۰/۹۱۰	کای اسکوتر
۸۲۸/۴۷۸	درجه آزادی
۳۶۹	سطح معنی‌داری
۰/۰۰۰	

مأخذ: یافته‌های پژوهش

نتایج تحلیل عاملی نشان می‌دهد که از بین چهارده عامل مورد بررسی، دو عامل تأثیرگذارترین عوامل شناخته شدند. عامل اول با مقدار ویژه ۵/۳۱ حدود ۳۷/۹ درصد رفتار اقتصادی و اجتماعی را تبیین می‌کند؛ با توجه به ماتریس دوران داده شده این عامل که شامل بی‌توجهی دولت به بخش کشاورزی، عدم برنامه‌ریزی برای کاهش واسطه‌گری به منظور بازگرداندن سرمایه و ارزش افزوده به روستاها، نظام کارآمد بیمه محصولات، عدم توسعه زیرساخت از قبیل صنعتی‌سازی کشاورزی، توسعه و گسترش نظام آبیاری مکانیزه، اصلاح و تسطیح خاک، توانمندسازی و آموزش کشاورزان، ارائه تسهیلات، نظارت بر تسهیلات کشاورزی در زمینه هزینه و مصرف آن در بخش تولید کشاورزی، ایجاد سندیکا و تشکل‌های کشاورزی، حذف یارانه‌ها از بخش کشاورزی توسط دولت است، این عامل را می‌توان «برنامه‌ریزی توسعه کشاورزی» نام نهاد. عامل دوم با مقدار ویژه ۲/۹۸ در حدود ۲۱/۳ درصد رفتار دولت در تأثیرگذاری بر رفتار اقتصادی و اجتماعی کشاورزان را تبیین می‌کند؛ با توجه به ماهیت عامل‌های دوران داده شده که شامل ضعف عملکرد دولت در آگاه‌سازی و آموزش کشاورزان و عدم اقدامات دولت در زمینه اصلاح، پراکندگی اراضی کشاورزی و تمرکز توجه دولت به شهرها است، این عامل را می‌توان «آموزش و یکپارچه‌سازی اراضی» نامگذاری کرد.

جدول ۱۱- عامل‌های استخراج شده تأثیرگذار رفتار دولت بر رفتار اقتصادی و اجتماعی

کشاورزان

عامل	ارزش اولیه عامل‌ها		ماتریس دوران یافته	
	مقدار ویژه	واریانس (درصد)	مقدار ویژه	واریانس (درصد)
۱	۷/۱۸۰	۵۱/۲۸۳	۵/۳۱۵	۳۷/۹۶۴
۲	۱/۱۱۷	۷/۹۸۱	۲/۹۸۲	۲۱/۲۹۹

مأخذ: یافته‌های پژوهش

بار عاملی متغیرهای قرار گرفته در هر عامل در جدول ۱۲ نشان داده شده است. لازم به ذکر است که هر متغیر در عاملی قرار می‌گیرد که با آن همبستگی بالایی داشته باشد. جدول ۱۲- متغیرهای قرار گرفته در هر عامل و بار عاملی هر متغیر (ماتریس دوران یافته)

عامل		متغیر
۱	۲	
۰/۷۲۵	۰/۰۰۶	بی‌توجهی دولت به بخش کشاورزی
۰/۷۳۴	۰/۳۴	عدم برنامه‌ریزی برای کاهش واسطه‌گری به منظور بازگرداندن سرمایه و ارزش افزوده به روستاها
۰/۷۱۸	۰/۲۴	نظام کارآمد بیمه محصولات
۰/۷۱۵	۰/۳۹۸	عدم توسعه زیرساخت از قبیل صنعتی‌سازی کشاورزی
۰/۷۱۴	۰/۲۶۱	توسعه و گسترش نظام آبیاری مکانیزه
۰/۷۰۱	۰/۳۰۲	اصلاح و تسطیح خاک
۰/۶۴۸	۰/۳۵۶	توانمندسازی و آموزش کشاورزان
۰/۶۳۷	۰/۱۸۶	ارائه تسهیلات
۰/۶۲۹	۰/۳۸۳	نظارت بر تسهیلات کشاورزی در زمینه هزینه و مصرف آن در بخش تولید کشاورزی
۰/۶۲۳	۰/۵۶۷	ایجاد سندیکا و تشکل‌های کشاورزی
۰/۵۹	۰/۴۰۳	حذف یارانه‌ها از بخش کشاورزی توسط دولت
۰/۰۶۲	۰/۸۸۱	ضعف عملکرد دولت در آگاه‌سازی و آموزش کشاورزان و عدم اقدامات دولت در زمینه اصلاح
۰/۳۴۵	۰/۷۴۴	پراکندگی زمین‌های کشاورزی
۰/۳۲۳	۰/۶۰۷	تمرکز توجه دولت به شهرها

مأخذ: یافته‌های پژوهش

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

گسترش دامنه شغلی روستاییان در بخش کشاورزی، خرید دام و طیور، خرید زمین کشاورزی، استفاده از نظام اطلاعات و فناوری در تولید و فروش، یکپارچه‌سازی اراضی خرد، تقویت کیفیت خاک مزرعه، سرمایه‌گذاری در اصلاح شبکه آبیاری در قالب رفتار اقتصادی روستاییان بررسی شد و نتایج نشان داد که میانگین رفتار اقتصادی کشاورزان ۲/۳۳ و فاصله آن با حد متوسط زیاد است. همچنین، میزان مشارکت با همدیگر و نیز ترغیب و تشویق دیگران به سرمایه‌گذاری در توسعه کشاورزی ضعیف بوده است. میانگین رفتار اجتماعی برابر با ۲/۴۳ به دست آمد که نشان‌دهنده بی‌میلی کشاورزان به توسعه فعالیت‌های کشاورزی است. اما اهمیت مسئله تحقیق در تبیین آن است. در زمینه ضعف رفتار مثبت اقتصادی و اجتماعی روستاییان در توسعه کشاورزی عوامل متعدد دخیل بودند و از این‌رو، عوامل تبیین‌گر در قالب عوامل اقتصادی، طبیعی و کالبدی به عنوان «عوامل درون‌سیستمی» کشاورزی و رفتار دولت، شهر و بازار به عنوان «عوامل برون‌سیستمی» بررسی شدند.

نتایج بررسی نشان می‌دهد که از میان عوامل اقتصادی تأثیرگذار تضعیف‌کننده رفتار اقتصادی، تفاوت درآمدی و ارزش افزوده کشاورزی با دیگر بخش‌های اقتصادی بیشترین تأثیر را داشته، به گونه‌ای که حدود چهل درصد رفتار اقتصادی کشاورزان را تبیین کرده است. از این‌رو، توجه به توازن فعالیت‌های اقتصادی صنعت، کشاورزی و خدمات ضامن بقای نیروی انسانی به‌ویژه جوانان تحصیل‌کرده در بخش کشاورزی خواهد بود. البته این مسئله با مکان‌زندگی در ارتباط نبوده است، به گونه‌ای که بر اساس نتایج بررسی، اگر فعالیت‌های کشاورزی دارای ارزش افزوده و درآمد برابر با صنعت و خدمات باشد، کشاورزان بدون در نظر داشتن مکان زیست (شهر یا روستا) به فعالیت‌های کشاورزی میل بیشتری نشان خواهند داد؛ زیرا بر اساس نتایج بررسی، وضعیت کالبدی روستا تأثیری تعیین‌کننده در رفتار اقتصادی (پنج درصد) و اجتماعی کشاورزی نداشته، در حالی که از

میان عوامل کالبدی، اقتصادی کردن پراکندگی اراضی و اندازه آنها تأثیر زیادی (۳۳ درصد) در رفتار اقتصادی مردم داشته است. همچنین، حساسیت بالای کشاورزی در برابر تغییرات اقلیمی (مانند خشکسالی) عامل اصلی و تأثیرگذار در افزایش مشارکت مردم با همدیگر بوده، به گونه‌ای که این عامل در حدود ۲۳ درصد رفتار اجتماعی روستاییان را تبیین می‌کند. از عوامل طبیعی تأثیرگذار در سرمایه‌گذاری و تمایل کشاورزان برای توسعه کشاورزی بیماری و شیوع آفات این بخش است که تمایل به سرمایه‌گذاری در این بخش را کاهش می‌دهد. بر اساس نتایج به دست آمده، از میان عوامل طبیعی، بیماری و شیوع آفات در حدود ۳۳ درصد رفتار اقتصادی را تبیین می‌کند.

نتایج مطالعه دلالت بر این دارد که برای افزایش ارزش افزوده و درآمد بخش کشاورزی، توجه به عامل‌های بازاری نظیر استقرار بازارهای فیزیکی برای ارائه محصول به منظور جذب واسطه‌ها و انتقال درآمد به تولیدکنندگان و ایجاد سردخانه و محل نگهداری برای جلوگیری از کاهش قیمت و نیز افزایش ارزش افزوده ضروری است. نتایج بررسی نشان داد که استقرار بازارهای فیزیکی و سردخانه و محل نگهداری با رفتار اقتصادی همبستگی دارد که میزان آن، به ترتیب، برابر با ۰/۲۱۳ و ۰/۲۱۴ است. از این رو، می‌توان از این رهگذر، با اقتصادی کردن فعالیت‌های کشاورزی، کشاورزان را به سرمایه‌گذاری و پرداختن به فعالیت‌های کشاورزی ترغیب کرد. بر اساس دیگر نتایج تحقیق، بین این عوامل و رفتار اقتصادی همبستگی قوی وجود دارد، ولی همه آنها به یک اندازه تأثیرگذار نیستند. از بین عوامل بررسی شده، تمرکز ثروت و سرمایه در شهرها و ثبات درآمدی در اقتصاد شهری تأثیری به سزا در رفتار اقتصادی دارد و به ترتیب، ۲۵/۳ و ۲۵/۷ درصد رفتار را تبیین می‌کند. همچنین، از میان عوامل رفتاری دولت، بر اساس نتایج مدل تحلیل عاملی، دو عامل با عناوین «برنامه‌ریزی توسعه کشاورزی» و «آموزش و یکپارچه‌سازی اراضی»، به ترتیب، حدود ۳۷/۹ و ۲۱/۳ درصد رفتار را توجیه می‌کنند. بنابراین، با توجه به عوامل طبیعی، کالبدی، اقتصادی، شهری،

بازاری مؤثر در توسعه کشاورزی، افزایش سرمایه‌گذاری و نیز توسعه فرصت‌های اقتصادی در بخش کشاورزی از سوی دولت نقش اصلی را بازی می‌کنند.

با توجه به نتایج، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

- ایجاد تشکلهای و سندیکاهای کشاورزی در زمینه بازاریابی و انبارداری محصولات کشاورزی به منظور بازگرداندن سود و ارزش افزوده کشاورزی به روستاها؛
- اختصاص تسهیلات برای صنعتی‌سازی کشاورزی؛
- اصلاح نظام قیمت‌گذاری محصولات با توجه به ارزش منابع تولید کشاورزی؛
- ارائه تسهیلات تشویقی به جوانان تحصیل‌کرده رشته‌های کشاورزی در روستاها؛ و
- اصلاح نظام زمین‌داری و اختصاص تسهیلات برای اراضی یکپارچه.

منابع

- ارتیایی، ف.؛ چیدری، م.؛ و جعفری، م. (۱۳۹۰)، «عوامل تأثیرگذار بر مشارکت جوانان روستایی در زمینه توسعه کشاورزی». *پژوهش‌های روستایی*، سال ۲، شماره ۳، صص ۵۷-۷۶.
- آسایش. ح (۱۳۷۵)، *برنامه‌ریزی روستایی در ایران*. تهران: دانشگاه پیام نور.
- پاپلی یزدی، م. (۱۳۸۲)، *نظریه‌های شهر و پیرامون*. تهران: سمت.
- تقدیسی، ا. و بسحاق، م. (۱۳۸۹)، «چالش‌های کشاورزی و تأثیر آن بر جمعیت روستایی با تأکید بر تغییرات سطح زیر کشت (مطالعه موردی: دهستان سیلاخور شرقی - شهرستان ازنا)». *پژوهش‌های روستایی*، دوره ۱، شماره ۲ (زمستان ۱۳۸۹)، صص ۱۳۷-۱۶۰.
- تقیلو، ع. و عبداللهی، ع. (۱۳۹۲)، «توسعه کشاورزی با تأکید بر مناسبات شهر و روستا». *فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی*، سال ۲، شماره ۱، صص ۲۹-۵۰.
- خسروبیگی، ر. (۱۳۹۲)، *بررسی عوامل بازدارنده توسعه کشاورزی*. رساله دکتری رشته جغرافیا. مشهد: دانشگاه فردوسی.
- رحیمی، ح. (۱۳۸۹)، «نظریه دولت رانتی و جمهوری اسلامی ایران». *فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی*، سال ۷، شماره ۲۲، صص ۶۹-۱۰۰.

- رضوانی، م.؛ صادقلو، ط.؛ فرجی سبکبار، ح.؛ و رکن‌الدین افتخاری، ع. (۱۳۹۲)، «تحلیل و تبیین عوامل مؤثر در شبکه فضایی بازاریابی شیر در نواحی روستایی». *فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی*، سال ۲، شماره ۱، صص ۱-۲۸.
- رکن‌الدین افتخاری، ع.؛ شاهسوندی الاصل، ا.؛ و پورطاهری، م. (۱۳۸۸)، «تحلیل عوامل مؤثر استرس‌زا در کشاورزان: مورد کشاورزان روستاهای استهبان». *برنامه‌ریزی و آمایش فضا*، دوره ۱۴، شماره ۲، صص ۱۴۳-۱۶۲.
- رهنمایی، م. (۱۳۷۳)، «دولت و شهرنشینی، نقدی بر نظریه‌های شهر قدیم سرمایه‌داری هانس بوبک». *فصلنامه تحقیقات جغرافیایی*، شماره ۳۲، صص ۱۷-۲۶.
- رهنمایی، م.؛ علی‌اکبری، ا.؛ و فرجی دارابخانی، م. (۱۳۸۹)، «ساختارشناسی اقتصاد شهری ایران با تأکید بر نقش دولت». *فصلنامه انجمن جغرافیایی ایران*، سال ۸، شماره ۲۴، صص ۴۷-۶۷.
- سعیدی، ع. (۱۳۸۵)، *مبانی جغرافیای روستایی*. تهران: سمت.
- شریف‌زاده، ا.؛ عربیون، ا.؛ و شریفی، م. (۱۳۸۹)، «بررسی موانع توسعه کسب‌وکارهای کشاورزی در استان گلستان». *فصلنامه روستا و توسعه*، سال ۱۳، شماره ۴، صص ۱۲۹-۱۶۰.
- صامتی، م. و فرامرزی‌پور، ب. (۱۳۸۳)، «بررسی موانع سرمایه‌گذاری خصوصی در بخش کشاورزی ایران». *اقتصاد کشاورزی و توسعه*، سال ۱۲، شماره ۴۵، صص ۹۱-۱۱۲.
- فاضل‌بیگی، م. و یاور، غ. (۱۳۸۹)، «اکاوی چالش‌های فراروی صندوق بیمه محصولات کشاورزی در ایران». *فصلنامه روستا و توسعه*، سال ۱۳، شماره ۱، صص ۲۱-۴۱.
- کلانتری، خ. و عبدالله‌زاده، غ. (۱۳۹۱)، *برنامه‌ریزی فضایی و آمایش سرزمین*. تهران: فرهنگ صبا.
- نوروزی، ن. (۱۳۸۵)، «اقتصاد سیاسی نفت و جامعه مدنی در ایران». *فصلنامه اقتصاد سیاسی*، سال ۱۴، شماره ۱۳، صص ۸-۳۱.
- یاسوری، م. (۱۳۸۶)، *مقدمه‌ای بر اقتصاد روستایی در ایران*. مشهد: آستان قدس رضوی (به‌نشر).
- Anselm, A. E. (2009), "Challenges of agricultural adaptation to climate change: the case of Cassava post-harvest in Southeast Nigeria". *International Journal of Climate Change Strategies and Management*, 5(4), ISSN: 1756-8692.
- European Commission (2009), "Why do we need a common agricultural policy?". Directorate General for Agriculture and Rural Development. www.ec.europa.eu/agriculture/cap-post-2013/reports/why_en.pdf.

- Konare, K. (2001), *Challenges to Agricultural Financing in Mali*. Submitted to Michigan State University in partial fulfillment of the requirements for the degree of Master of Science Department of Agricultural Economics.
- Nossal, K. and Goody, P. (2009), *Raising and Productivity Growth in Australian Agriculture*. Issue Insight. 9.7, Canberra. .
- Yilma, T.; Berg, E.; and Berger, T. (2004), "Empowering African women through agricultural technologies: the case of irrigation technology in Northern Ghana". Available on: <http://www.glowa-volta.de/fileadmin/template/glowa/downloads/>. Retrieved at: July 10, 2009.

